

## رویارویی با واقعیت

چشم بر هم نهادن، به معنای فقدان آن چیزی که نمی‌خواهیم آن را ببینیم نیست. آدمیان هر یک چهارچوب ادراکی ویژه‌ای دارند که از محیط پرورشی خود اتخاذ نموده‌اند. این چهارچوب ادراکی یا ترکیب ذهنی آدمیان را در روند تصمیم‌گیریهای شخصی و اجتماعی (کاری) کمک می‌کند. فرایند گسترش و توسعه این چهارچوب تنها از طریق تجربه، خستگی آور و زمان بر است. برای تسریع فرایند مذکور، تصمیم‌گیرندگان باید با مفاهیم و استراتژیهای معینی آشنا شوند که نتیجه تجربیات دیگران بوده و در بعضی از موارد نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند. یکی از مفاهیمی که در چهارچوب ادراکی آدمیان نقش خاصی دارد، تجربه‌های یک فرد در برخورد با واقعیتهاست. این تجربه‌ها می‌تواند فرد را در دراز مدت در مواجهه با واقعیتها به فردی منفعل یا فعال مبدل سازد. تجارب حکایت از آن دارد که:

«هرگاه آدمی شهامت برخورد با واقعیت را داشته باشد بهتر می‌تواند تصمیم بگیرد». برای مثال اغلب افراد هرگاه با محرکی تهدید آمیز یا شرم‌آور مواجه شوند ممکن است یکی از راه‌های زیر را در پیش گیرند:

۱- تلاش کند آنرا نادیده بگیرد.

۲- اگر محرک محیطی قدری شدید باشد آنرا تحریف یا تعدیل کند.

۳- در صورت قوی بودن محرک آنرا ادراک می‌کند و رفتار مناسب از خود نشان می‌دهد.

۴- محرک قوی را ادراک می‌کند ولی نمی‌تواند رفتار مناسب بروز دهد.

ناگفته نماند که شاخصهای تصمیم‌گیری برای انتخاب گزینه مناسب برخورد را می‌توان از واقعیتهای هر وضعیت استخراج کرد و مسائل را به فرصتها تبدیل نمود.

برای مثال رهبر فقید انقلاب حوادث و وقایعی را که هر یک از آنها برای ایشان و دیگران بسیار گران بود و در شکل مشکل و مسأله ظاهر شده بود، به خوبی شناخته و سپس با برخورد واقع بینانه به یک فرصت تبدیل می‌کرد که از آن جمله می‌توان به مسائلی چون ترورها، محاصره اقتصادی، جنگ، کتاب سلمان رشدی و غیره اشاره کرد که هر کدام از آنها با درایت ایشان فرصتی شد برای افشاندن بذر آگاهی و تثبیت ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص) در جانهای طالبان و خنثی کردن نقشه‌های شیطانی اهریمنان و دشمنان این مرز و بوم، و در واقع باید گفت هر آنچه که برای متوقف ساختن انقلاب به میدان می‌آمد با درایت و هوشیاری ایشان به فرصتی تبدیل می‌شد که پایه‌های انقلاب را محکم‌تر از پیش می‌ساخت؛ یا سرداری رشید از سرداران اسلام بیان می‌دارد که در دوران جنگ هنگامی که گروهی از رزمندگان در تله دشمن گیر می‌افتند و تلفات نیروهای اسلام بالا می‌رود فوراً تدبیری می‌اندیشد و در نخستین گام تصمیم می‌گیرد روحیهٔ افرادش را بازسازی نماید و برای این منظور فرمان می‌دهد از کمپوتها و بیسکویتهایی که از شهدا باقی مانده است استفاده نمایند تا هم شهامت برخورد با واقعیت را بیابند و هم در اثر خوردن کمپوتها و بیسکویتها از فشارهای عصبی آنان کاسته شود و هم برای نبرد بیشتر نیرو بگیرند و در عین حال به هم‌رزمانش یادآور می‌شود که روح شهدا ناظر بر عمل آنان است و از اینکه نمی‌گذارند اتلاف منابع صورت پذیرد و برای نبرد بهتر نیرو می‌گیرند شاد می‌شوند این رزمندگان با چنین تدبیری موفق می‌شوند موقعیت خود را حفظ نمایند تا نیروهای کمکی برسد.

امید است مدیران و تصمیم‌گیرندگان با افزایش توان خود در برخورد با واقعیتها، بر اساس اطلاعات معتبر و دارای روائی لازم تصمیمات کیفی تری بگیرند و در نتیجه بر راندمان و بهره‌وری مجموعه تحت نظارت خود بیفزایند.

دکتر علی رضائیان

